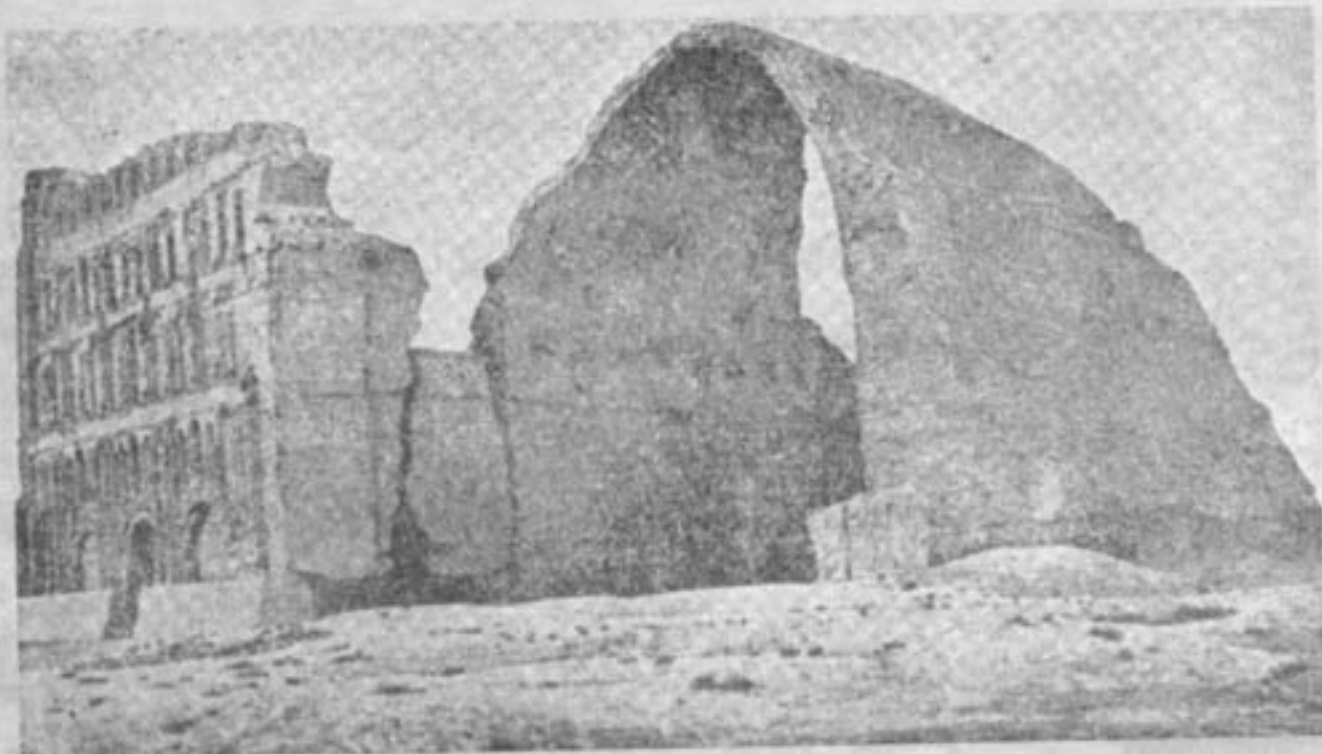


کتابخانه‌ها

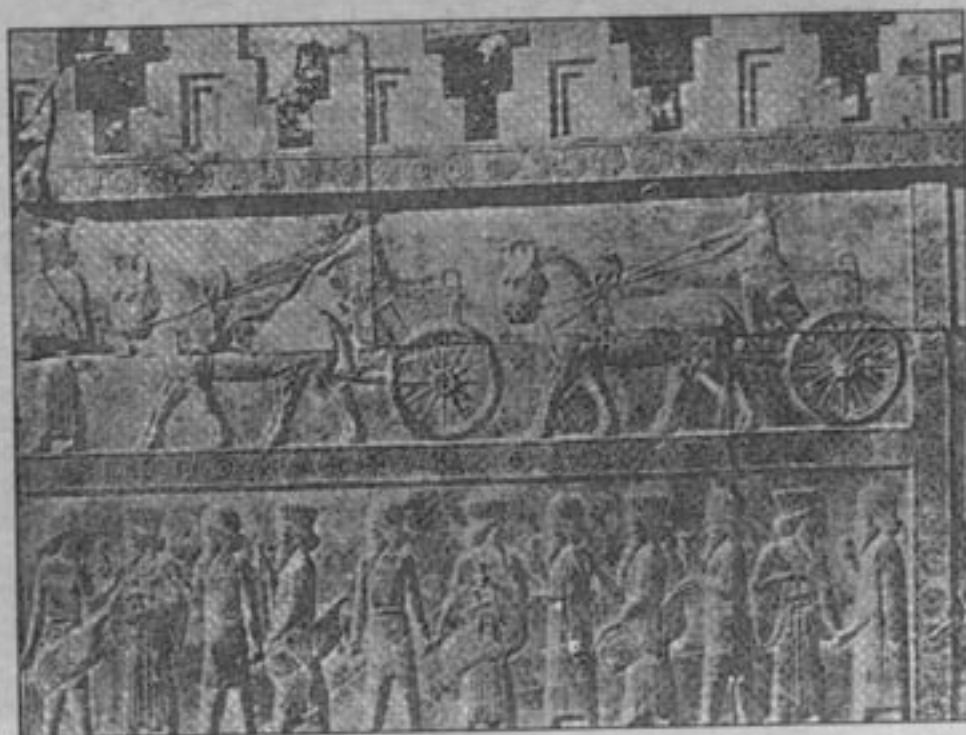
در ایران باستان

حسن پارسائیان



آن الواح گلی را به زبان‌های قبطی (زبان مصریان قدیم) و یونانی ترجمه کنند آنگاه آنها را به مصر فرستاد تا در کتابخانه اسکندریه نگهداری شود، ولی بسیاری از کتاب‌های مذهبی را که بر روی پوست گاو بودند، سوزاند و نابود ساخت. گنجینه کتاب‌های هخامنشی در مصر در جنگ‌های داخلی قرن سوم میلادی دچار آتش‌سوزی گردید و قسمت اعظم کتابخانه اسکندریه سوخت و نابود شد. در کاوش‌های باستان‌شناسی که در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی در زیر کاخ آپادانا انجام شد، سی هزار تخته لوح به دست آمد و اکتشاف دیگری که در شمال ایران قدیم در منطقه نساء^(۳) انجام شد، ۲۴۵۰ لوح گلی به دست آمد که هر کدام از این‌ها می‌تواند به تنهایی از وجود کتابخانه‌های دوران هخامنشی و اشکانی حکایت کند.

بنا به نظر ایران‌شناسان معروفی چون هنینگ و هرتسفلد این بنا می‌تواند همان کعبه زردشت باشد که بنای آن هنوز در نقش رستم باقیمانده است. (مقام دانش در ایران باستان، علی سامی - تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۱۱ و ۲۶)



یکی از بزرگترین افتخارات ایرانیان، وجود کتابخانه‌ها در عهد باستان است که نشانی است گویا بر این که ایرانیان باستان در سه هزار سال قبل مردمانی دانش‌پژوه و متفکر بودند و این بهترین دلیل برای برتری فرهنگ این ملت بر سایر ملل و اقوام در قرون متمادی پیشین است. ایرانیان در ابتدا برای نوشتن از گل استفاده می‌کردند و آنچه را می‌خواستند بنویسند بر روی خشت‌های قالب‌گیری شده می‌نوشتند و آنگاه آن را در کوره‌های مخصوص می‌پختند تا مانند سفال محکم شود. بیشتر نوشته‌های دوره مادها و هخامنشیان و اشکانیان بر روی الواح گلی بوده است. ایرانیان برای این که زمین محیط زندگی شان دارای برکت شود، در آتشکده‌ها و معابد اقدام به قربانی می‌کردند و به واسطه قداست این کار از پوست قربانی که معمولاً گاو بود، برای نوشتن سرودها و نوشته‌های دینی خود استفاده می‌کردند. بعدها برای بهتر ماندن نوشته‌های خود، پوست درخت خدنگ را که توز نامیده می‌شد، به کار گرفتند. (تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، رکن الدین همایونفرخ، ص ۱۱، ۹)

مهمترین منبع در معرفی کتابخانه‌های ایران باستان، کتاب الفهرست، اثر ابن ندیم^(۴) از نویسندگان قرن چهارم هجری است و منابع دیگر اکثراً به این کتاب استناد کرده‌اند. و ما بر اساس آن منابع به معرفی برخی از این کتابخانه می‌پردازیم.

کتابخانه استخر^(۵) (در نپشت یا گنج نپشت)

این کتابخانه در کاخ آپادانا قرار داشت و دارای هزاران لوح گلی بوده است که شامل مجموعه‌ای از دانش‌های مختلف از قبیل علوم طبیعی، پزشکی، هیئت بود. همچنین در این کتابخانه تمامی کتاب اوستا بر روی دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود که بزرگترین مخزن کتاب و نوشته‌های عهد هخامنشی بود. بعد از این که اسکندر مقدونی بر تخت جمشید استیلا یافت، ابتدا دستور داد که مترجمان،

کتابخانه آگره یا گنجینه اکباتان^(۳)

این کتابخانه در هگمتانه (همدان امروز) قرار داشت و پیشینه آن به زمان قبل از سلسله مادها می‌رسید. در این کتابخانه زیورآلات و نقدینه‌های دولتی نگهداری می‌شد. در قسمت دیگر آن، بایگانی اسناد مربوط به فرمان شاهان ماد و هخامنشی، یادداشت‌های سیاسی، پیمان نامه‌های نظامی و قرار دادهای اقتصادی و تجاری، تشویق نامه‌ها و احکام بایگانی داریوش کبیر (داریوش اول) وجود داشت. (تاثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان، عباس قدیانی، ص ۲۷۷-۲۸۷)

داریوش اول در دربار خود بایگانی منظم و گسترده‌ای داشت که در آن اسناد مالی و فرهنگی قبل از وی نگهداری می‌شد. از جمله این اسناد، اسناد مربوط به بازسازی معابد یهودیان در اورشلیم و مناطق دیگر بود. (از زبان داریوش، هایدماری کخ، ترجمه پرویز رجیبی، ص ۳۰-۳۱)

کتابخانه گنج شیپیکان یا شیزگان

این کتابخانه در شیز بود که خرابه‌های آن همراه با ویرانه‌های آتشکده آذرگشسب، تحت عنوان تخت سلیمان در آذربایجان باقی است. در جوار هر یک از آتشکده‌ها و معابد بزرگ ایران، کتابخانه‌ای وجود داشت. در زمان اشکانیان علاوه بر وجود کتابخانه در مجاورت مکان‌های مقدس، جایی را برای ظروف، عتیقه‌جات و زیورآلات که عمدتاً هدایای مردم به این مکان‌ها بود، می‌ساختند و در هنگام جنگ این مکان‌ها تحت محافظت و مراقبت شدید قرار می‌گرفت تا در دسترس دشمنان قرار نگیرند. (تاریخ ایران باستان، اردشیر خدا دادیان، ج ۲، ص ۳۱۳)

در عصر ما هنگامی که برای ساختمان کنونی شرکت دخانیات در خیابان قزوین تهران حفاری می‌کردند، گنجینه عظیم دیگری به دست آمد که در ۱۲ هزار لوح با خط میخی عیلامی بود که حدود ۶۰۰۰ لوح آن تقریباً سالم بود.

به جز کتابخانه‌های ایران باستان، کتابخانه‌هایی که به طور مشخص تری از آنها یاد شده، مربوط به دوران ساسانی می‌باشد. (اطلاعات درباره کتابخانه پهلوی، شجاع‌الدین شفا، ص ۸ و ۹) در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

کتابخانه کهن دژ (قهندز) در سارویه جی^(۵) اصفهان

ابومعشر^(۶) بلخی می‌گوید:

یکی از مردمان آگاه به من خبر داد در سال ۲۵۰ هجری قسمتی از دژ سارویه جی (دژی در اصفهان) خراب شد؛ کسی فکر نمی‌کرد که در آنجا جای سکونت باشد، ولی انباری پدیدار گشت که در

آن کتاب‌های بسیاری به دست آمد که کسی قادر به خواندن خط آن کتاب‌ها نبود به ناچار آنها را برای ترجمه به بغداد که در آن زمان مرکز علم بود فرستادند.

ابن الندیم می‌گوید: در سال ۳۴۲ هجری من شاهد بودم که آن کتاب‌ها را در صندوق‌های سربسته از اصفهان به بغداد آوردند و به قدری کتاب‌ها آلوده و بوی گند می‌داد که مدت یک سال کسی نمی‌توانست به آنها نزدیک شود؛ آنگاه شخصی به نام یوحنا و همسرانش که مترجم زبان یونانی بودند، کتاب‌ها را از یونانی به عربی ترجمه کردند. محتویات بعضی از کتاب‌ها درباره قوانین و آیین نامه‌های لشگری و نظامی ایران باستان بود. پادشاهان ایران برای این که مجموعه دانش‌ها محفوظ بماند و با گذشت زمان صدمه نبیند، آنها را در نقاطی که زلزله خیز نبوده و در درون دژهای مستحکمی نگه داری می‌کردند. (کتابخانه‌های ایران، عبدالعزیز جواهر الکلام، ص ۸ و ۹ - تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، ص ۱۶)

کتابخانه و موزه اردشیر بابکان

هنگامی که اردشیر بر مسند قدرت رسید، ابتدا دستور داد که کتاب‌هایی که را در مورد تاریخ ایران باستان است، از هند و چین و روم جمع‌آوری و در گنجینه‌ای نگه داری کنند و اوستا را که از زمان اسکندر نابود شده بود، دوباره احیا کرد. وی همچنین علاقه



۲۵
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

زیادی به جمع آوری اشیای قدیمی دوران هخامنشی داشت، لذا تا آنجا که می توانست به فراهم کردن این آثار هنری و اشیای قدیمی همت گمارد. (کتابخانه های ایران، عبدالعزیز جواهر الکلام، ص ۱۰)

کتابخانه بغداد

شاپور اول پادشاه ساسانی از شیوه پدرش پیروی نموده و کتابخانه ای بزرگ در بغداد به وجود آورد که این کتابخانه تا قرن هادوام پیدا کرد تا این که در زمان طغرل، اولین پادشاه سلجوقی که به شهر بغداد یورش آورد، این کتابخانه دستخوش تاراج شده و از بین رفت.

کتابخانه انوشیروان

این کتابخانه در مجاورت مریض خانه گندی شاپور (جندی شاپور) قرار داشت و با پیدا شدن نهضت علمی که از زمان اردشیر

بابکان شروع شده بود، کتاب های بسیاری از هند و یونان به ایران آورده شد. بعدها آن کتابها را ترجمه کردند. البته بیشتر این کتابها در زمینه علم پزشکی بود. از جمله کتاب هایی که از هند آوردند، کتاب کلیله و دمنه و هزار و یک شب بود که از زبان سانسکریت (هندی قدیم) به زبان فارسی برگردانده شد. (کتابخانه های ایران، عبدالعزیز جواهر الکلام، ص ۱۱ و ۱۲)

انوشیروان به مجالس خصوصی برای مباحثه مسائل علمی اهمیت بسیار قائل می شد و مامون عباسی از این شیوه استفاده کرده و ۲۵۰ سال بعد همین جلسات را بین اندیشمندان ادیان در مرو به وجود آورد. (کتابخانه های ایران، عبدالعزیز جواهر الکلام، ص ۱۲)

مرکز اسناد و بایگانی شوش

علاوه بر اکباتان، در شهر شوش هم اسناد و مدارک سیاسی، امنیتی، اقتصادی و قراردادهای تجاری بین ایران و دولت های دیگر نگه داری می شد. (تاریخ ایران باستان، اردشیر خدادادیان ج ۲، ص ۳۱۲)

کتابخانه یزدگرد سوم

یزدگرد سوم در دربار خود کتابخانه ای داشت. هنگامی که تصمیم گرفت از شهرهای جنوبی به سوی مرو برود، کتاب های کتابخانه خود را به مرو برد تا از حمله عرب محفوظ بماند. طبق اسناد به دست آمده در کتابخانه مرو، در دوره اسلامی، کتاب های کتابخانه یزدگرد در آن جا موجود بود. (دایرة المعارف مصاحب، غلامحسین مصاحب ج ۲، ص ۲۱۷۷)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پانویس ها

- ۱- ابن ندیم ابوالفرج محمد بن یعقوب تولدش در شهر بغداد بود، اما سیال تولد او مشخص نیست. او از بزرگان و نویسندگان بغداد و شغلش در ابتدا وراقی و کتابفروشی بود. در سال ۳۷۷ کتاب معروف خود الفهرست را تکمیل کرده و در سال ۳۷۸ هجری وفات یافت.
- ۲- استخر: از شهرهای قدیم استان فارس بوده است.
- ۳- نساء شهری واقع میان شهر مرو و شهر بلخ بودس و پایتخت تیرداد دومین پادشاه اشکانی بود (۲۲۸-۲۱۴ م).
- ۴- اکباتان پایتخت دولت قدیم ماد که بعدها آن را هگمتانه و امروز آن را همدان می گویند دیوکوس بنیانگذار دولت ماد این شهر را به پایتختی برگزید.
- ۵- سارویه مکانی در کهنذجی اصفهان که اکنون آن را اصفهانی ها هفت هکله گویند.
- ۶- ابومعشر بلخی ابومعشر جعفر بن محمد بلخی نویسنده ایرانی صاحب کتاب اختلاف الزیجات که در سال ۱۷۰ هجری به دنیا آمده و در اواخر رمضان سال ۲۷۲ هجری در شهر واسط (شهری در عراق میان بصره و کوفه که رود دجله از میان آن می گذرد) در گذشته است.

منابع

- ۱- کتخ، هایدماری. از زبان داریوش، تهران: نشر کارنگ، ۱۳۷۶، ترجمه پرویز رجیبی.
- ۲- شفاع، شجاع الدین. اطلاعات درباره کتابخانه پهلوی. تهران: کتابخانه پهلوی، ۱۳۵۲.
- ۳- قدیانی، عباس. درآمدی بر تاثیر فرهنگ و تمدن ایران در جهان. تهران: جاودان خرد، ۱۳۷۶.
- ۴- خدادادیان، اردشیر. تاریخ ایران باستان. تهران: نشر به دید، ۱۳۷۸.
- ۵- همایونفرخ، رکن الدین. تاریخچه کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی. تهران: سازمان کتابخانه های عمومی شهرداری تهران، ۱۳۴۴.
- ۶- مصاحب، غلامحسین. دایره المعارف فارسی. تهران: فرانکلین، امیرکبیر؛ شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۲۵-۱۳۷۴.
- ۷- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۳.
- ۸- جواهر الکلام، عبدالعزیز. کتابخانه های ایران از ماقبل مس اسلام تا عصر حاضر در داخله و خارجه. - تهران: چاپخانه فردوسی، ۱۳۱۱.
- ۹- سامی، علی. مقام دانش در ایران باستان. شیراز: کانون و دانش پارسی، ۱۳۳۳.